

## تأثیر ایدئولوژی اسلامی به مثابه قدرت نرم در آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر افق ۱۴۰۴

عرفان زندی<sup>۱</sup> امیر ساجدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

**چکیده:** یکی از اهداف و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ رسیدن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد. به همین منظور استفاده از قدرت نرم می‌تواند برای تقویت و گسترش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه مؤثر واقع گردد. قدرت نرم امروزه یکی از مفاهیم نوینی است که به‌خاطر وجه معنوی آن از نفوذ گسترده‌ای در کشورها برخوردار است. قدرت نرم در سیاست خارجی سبب هویت‌سازی، پیشرفت و تقویت روحیه جهادی و دفاع از موجودیت نظام و آرمان‌های آن می‌شود. مقاله حاضر تلاش دارد تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تأثیر قدرت نرم در آینده سیاست خارجی ایران و در ارتباط با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بپردازد و در پی پاسخ به این پرسش است: تأثیر قدرت نرم بر عملکرد آینده سیاست خارجی ج.ا.ا. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ چیست؟ یافته‌های این پژوهش در مجموع نشان از تأثیر عمیق عناصر اسلامی و شیعی هویت ایرانی و ایدئولوژی اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه قدرت نرم در آینده سیاست خارجی این کشور دارد.

**واژگان اصلی:** آیت الله خامنه‌ای، ایدئولوژی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست خارجی، قدرت نرم.

۱. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل (erfanzandii@yahoo.com)

۲. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل

(amir\_sajedi2001@yahoo.com)

با افزایش یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رسیدن به توسعه همه‌جانبه در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و تا زمان حاضر این تفکر کماکان در بین مسئولین به قوت خود باقی است. به‌زعم سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران اصولاً هدف از شکل‌گیری انقلاب کمرنگ بودن مذهب، برخورد با بی‌عدالتی و نبود توسعه‌یافتگی در دوران پهلوی بوده است؛ به همین منظور در بعد از انقلاب تلاش همه سیاست‌گذاران داخلی اجرای عدالت و رسیدن به توسعه‌ای فراگیر در بستری از ایدئولوژی شیعی بوده است. از آغاز انقلاب ۱۳۵۷، موانع متعدد داخلی و خارجی، رشد و ثبات اقتصادی ایران را با مشکل مواجه ساخته است. درحالی‌که همراه با هر انقلابی معمولاً موانعی بر سر راه رونق و رفاه اقتصادی قد علم می‌کند. این موانع نوعاً برای هر کشوری به شکلی منحصربه‌فرد ظهور می‌یابد و بیانگر آرایش خاصی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاسی است که در آن زمان خاص به‌منصه ظهور می‌رسد. مورد ایران نمونه بارزی است که نشان می‌دهد چگونه گاهی به علت شرایط سیاسی و اقتصادی داخل و خارج، تلاش برای خروج از یک شیوه استعماری با مشکل روبه‌رو می‌شود. ایران در تلاش برای دستیابی به استقلال سیاسی و اقتصادی درصحنه اقتصاد سیاسی جهانی، تحریم<sup>۱</sup> و تجاوز خارجی و شورش‌های داخلی را تجربه کرد. هر یک از این موانع به‌تنهایی می‌تواند رونق اقتصادی ایران را به خطر اندازد به‌طوری‌که مجموعه این موانع، کمرشکن و هولناک هستند. همچنین بحران جنگ هشت‌ساله ایران با نظام متخاصم یعنی عراق، ویرانی‌هایی برای هر دو کشور به وجود آورد. این چالش‌ها موجب گردید ج.ا.ا. بعد از پایان جنگ تحمیلی برای بازسازی اقتصادی، عمران و آبادانی کشور و نیز هموار کردن مسیر توسعه نسبت به تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در کشور اقدام نماید. براین‌مبنا یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در راستای ایجاد توسعه همه‌جانبه، تدوین سند چشم‌انداز<sup>۲</sup> ۱۴۰۴ می‌باشد. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در سال ۱۳۸۲ تصویب گردید و به قوای سه‌گانه نیز ابلاغ شد و از آغاز سال ۱۳۸۴ دولت مکلف به اجرای این سند گردید. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ افقی را برای ایران ترسیم کرده است که در این افق، ایران به قطب اول منطقه در

1. Sanction

2. Document of future perspective

آسیای جنوب غربی در سال ۱۴۰۴ تبدیل خواهد شد (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۸۲). ویژگی جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ توسعه‌یافته و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و ملی و انقلابی است. از بعد سیاست خارجی دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است. با تحلیل موقعیت جغرافیای سیاسی منطقه، متوجه می‌شویم که در کجا هستیم و وضعیت واحدهای سیاسی که پیرامون ما قرار گرفته‌اند چگونه است؟ آسیای جنوب غربی در متون کلاسیک یک حوزه جغرافیایی وسیع است که چندین منطقه مشهور را که در مطالعات منطقه‌ای به مثابه مناطقی جداگانه‌اند، در خود جای می‌دهد. بخش‌هایی از منطقه قفقاز، ایران، پاکستان و افغانستان، بخش‌هایی از آسیای مرکزی، عراق، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، سوریه، لبنان، اردن و اسرائیل نیز در ادبیات رایج بخشی از آسیای جنوب غربی بشمار می‌روند (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹). جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) است. از آنجایی که در این بند از سند چشم‌انداز به تعالیم اسلامی اشاره گردیده است از مفاهیم عناصر هویتی، ایدئولوژی اسلامی و نیز نفوذ و اقتدار ولایت‌فقیه نیز می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم در پیشبرد اهداف مندرج در سند چشم‌انداز نام برد. قدرت نرم<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی ایران در چارچوب کلی گفتمان اسلامی و در قالب آموزه‌های مذهب شیعه عمل کرد و باعث پیروزی بر رژیم گذشته شد. امروز پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و حرکت پیروزمندانه آن در دریای متلاطم سختی‌ها و فشارهای داخلی و خارجی همچنان در قالب همان گفتمان انقلاب اسلامی در حال حرکت است و پیام قدرت نرم انقلاب خویش را به جهان و به‌ویژه به کشورهای مسلمان مخابره و اعلام می‌کند که می‌توان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، حکومت تشکیل داد و بدون وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر آن را اداره کرد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۳).

#### پیشینه پژوهش

منابع قدرت نرم تا حدودی دارای گستردگی است و می‌توان آن را از جهات مختلفی مورد نقد و بررسی قرار داد. در یک بررسی کلی آثار زیادی به این موضوع اختصاص پیدا کرده است هم در قالب کتاب و هم در قالب مقاله به همین منظور در ذیل به ذکر آثاری در این حوزه نیز خواهیم

۱. soft power

پرداخت. کتاب قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل) اثر جوزف نای<sup>۱</sup> و ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری در سال ۱۳۸۹، یکی از آثار است که نویسنده در آن با ارائه تعریفی از قدرت نرم، عناصر و شاخصه‌های آن را معرفی می‌کند آنچه که در این کتاب مهم جلوه می‌کند توجه نویسنده به خاورمیانه است که این منطقه چالشی ویژه برای قدرت نرم ایالات متحده آمریکا به وجود آورده است. اثر دیگری که به منابع قدرت نرم پرداخته است کتاب قدرت نرم ج. ا. ا. نوشته یوسف ترابی و همکاران است این اثر در سال ۱۳۹۲ نوشته شده است و شامل مجموعه‌ای از مقالات می‌باشد که در حوزه قدرت نرم به رشته تحریر در آمده است. نگارندگان در این کتاب به انقلاب ۱۳۵۷ اشاره می‌کنند که آن را نقطه عطفی در چیرگی قدرت نرم بر سخت می‌دانند. شاه‌بیت این کتاب به این موضوع اشاره گردیده است هر میزان منابع قدرت نرم یک بازیگر در حوزه‌های مختلف تقویت شود به همان میزان نفوذ و سطوح اثرگذاری آن کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی افزایش می‌یابد که مقام معظم رهبری از آن به‌عنوان عمق استراتژیک داخلی و خارجی نظام نام می‌برند. کتاب قدرت نرم در برابر قدرت سخت، تحلیل شکست آمریکا در عراق نوشته جانانان استیل<sup>۲</sup> با مقدمه اصغر افتخاری و ترجمه محمدجواد هراتی در سال ۱۳۹۰ یکی دیگر از آثارهایی می‌باشد که به نقش قدرت نرم اشاره می‌کند. نگارندگان علت شکست ایالات متحده و انگلیس را در حمله به عراق وجود قدرت سخت می‌دانند. نگارندگان ضمن آسیب‌شناسی راهبرد امنیتی آمریکا، رویکرد تازه‌ای در قدرت‌شناسی از منظر ایرانی و اسلامی پیشنهاد کرده‌اند و به این موضوع اشاره گردیده است که قدرت در گفتمان اسلامی صرفاً نرم‌افزارانه است و قدرت سخت در گفتمان اسلامی معنا و مفهومی ندارد.

### مبانی نظری

این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر مبانی نظری قدرت نرم به تأثیر آن در آینده سیاست خارجی ج. ا. ا. با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ پردازد. در اغلب منابع علمی اخیر، پیدایش قدرت نرم را از نظر مفهومی و طبقه‌بندی علمی، به آثار «جوزف نای» نسبت می‌دهند گرچه به نظر می‌رسد که بسیار پیش‌تر از او اصطلاح قدرت نرم را برتراند راسل در کتاب «قدرت» به تفصیل مورد

1. Joseph Nye

2. Jonathan Steel

تجزیه و تحلیل قرار داده است ولی به درستی می‌توان گفت که نخستین بار جوزف نای بود که در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای در نشریه «آتلانتیک» مفهوم قدرت نرم را به شکل یک نظریه مطرح و در آثار متعدد بعدی به تفصیل آن را مورد بررسی و پردازش قرار داد (ساعد، ۱۳۹۰: ۱۶۴). قدرت شامل دو بعد قدرت سخت<sup>۱</sup> و قدرت نرم است که قدرت سخت بیشتر به پیشبرد منافع ملی بر مبنای مداخله نظامی، دیپلماسی قهری و تحریم اقتصادی تمرکز دارد؛ در حالی که قدرت نرم با ابزارهای مسالمت‌آمیز به دنبال تأمین منافع ملی می‌باشد (طاهری و متقی، ۱۳۹۹: ۱۵۹). قدرت توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای رسیدن به هدف است. نتایج مورد نظر می‌تواند به سه روش اصلی بر رفتار دیگران تأثیر بگذارد: تهدید به اجبار، انگیزه‌ها و تطمیع و جاذبه‌ای که در دیگران ایجاد می‌شود. قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای بدست آوردن قدرت است. نتیجه‌ای که شخص از طریق جاذبه می‌خواهد و نه اجبار یا تطمیع. قدرت نرم یک کشور بر منابع فرهنگی، ارزش‌ها، ایدئولوژی و سیاست‌های آن استوار می‌باشد (Nye, 2008: 94). قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌های نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۰). از نظر گاه لوکس قدرت جزء آن دسته از مفاهیمی است که به‌طور ریشه‌دار به ارزش‌ها وابسته است (لوکس، ۱۳۷: ۳۷). هنجارهای برخاسته از این ارزش‌ها نیز تأثیرگذارتر و مؤثرتر از ابزارها در تولید قدرت هستند. در مفهوم قدرت نرم تفوق با عناصر غیرمادی است، در حالی که منابع قدرت سخت همگی مادی و ملموس هستند. در قدرت نرم ما شاهد ابزارهایی ذهنی و معنایی هستیم. در مقایسه تأثیر قدرت نرم و سخت نیز می‌بینیم که تأثیر قدرت سخت نیز ملموس و حتی قابل اندازه‌گیری است در حالی که تأثیرات راه‌کارهای مبتنی بر به‌کارگیری قدرت نرم در اذهان مردم و سیاستمداران به وقوع می‌پیوندد. مطرح کردن قدرت نرم بدون پیش‌فرض قرار دادن فرهنگ امری محال است. در حقیقت آنچه سازنده جذابیت یک کشور است و یا توانایی آن را برای تنظیم اولویت‌های دیگران شکل می‌دهد، همگی در چارچوب فرهنگ و مفاهیم فرهنگی قرار دارند. اصولاً عمل بر مبنای قدرت نرم مستلزم کنش<sup>۲</sup> در فضایی میان فرهنگی است. ارزش‌ها و انگاره‌های<sup>۳</sup> مثبت موردنظر از سوی کنشگران که دارای فرهنگ خاص است برای دیگرانی که دارای فرهنگ‌های خاص خود هستند عرضه می‌شوند، در اینجا است که کنشگر هدفمندی می‌بایست با در نظر گرفتن فضای

1. Hard power

2. Action

3. Idea

فرهنگی مخاطب، ارزش‌های خود را که بخشی از هویت او هستند به‌گونه‌ای مؤثر انتقال دهد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۱).

### ۱- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سند چشم‌انداز

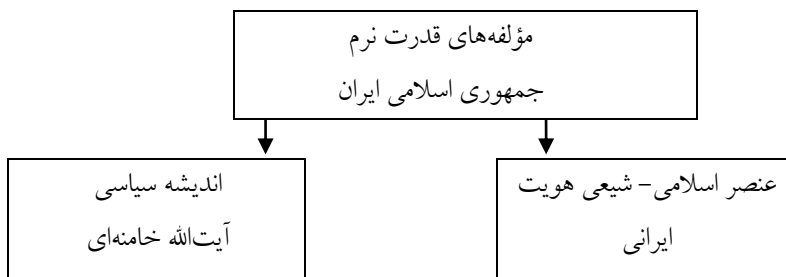
چشم‌انداز ارائه‌دهنده تصویری مطلوب و آرمانی و قابل‌دستیابی است که فراروی نظام حکومتی و جامعه قرار دارد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمان‌ها تعیین می‌گردد (کشاورزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۱). سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران شامل راهبردهایی است که بستر و جهت‌دهنده تمامی تصمیماتی است که کشور را به نقطه آرمانی‌اش نزدیک می‌کند (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۴۵). بر اساس این چشم‌انداز، ج.ا.ا. در سال ۱۴۰۴، کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل؛ تصریح این نکته در سند چشم‌انداز که رسیدن به این نقطه مطلوب، از طریق داشتن تعامل سازنده و مؤثر امکان‌پذیر است، نقش و جایگاه سیاست خارجی را در راه رسیدن به اهداف روشن می‌سازد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). تعامل سازنده<sup>۱</sup> به‌معنای برقراری ارتباط با بازیگران مهم بین‌المللی و ارائه کارکردی مطلوب، خلاق و ثمربخش است. تعامل مؤثر نیز بیشتر بر جنبه‌ی برقراری ارتباط تأثیرگذار و همکاری اثربخش میان ج.ا.ا. و سایر کشورها، با رعایت منافع ملی و ملزومات معطوف به امنیت ملی و توسعه همه‌جانبه تأکید دارد (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰ الف: ۴۶). بدیهی است اهداف سیاست خارجی کشور در سند چشم‌انداز، نشانگر لزوم اتخاذ استراتژی تعامل فعال و سازنده با نظام بین‌المللی است. از جمله انگیزه‌های به‌کارگیری این راهبرد، الزامات امنیتی، رفع فوریت‌های داخلی و وحدت دنیای اسلام، وجود دشمن مشترک و نقاط حساس جغرافیایی مشترک هستند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۴). سیاست خارجی کشور در افق چشم‌انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین‌الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود مطمئن سازد. این نوع سیاست، همان‌طور که از تنش با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین‌المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین‌الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و

۱. Constructive Interaction

اهداف کشور تنظیم و تدوین می‌شود (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۵).

## ۲- مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی، اسلامی و شیعی و برج‌گذاشتن آثار فرا سرزمینی متعدد در منطقه و جهان از هر لحاظ شرایط حضور در چرخه گفتمانی در سطح جهانی را دارد. کما اینکه نشانه‌های این حضور را امروزه می‌توان در استقبال ملت‌های جهان اسلام و خرده جوامع حاضر در کشورهای غیر اسلامی به‌خوبی مشاهده کرد. در این میان، نکته منحصر به فردی که می‌توان در خصوص نسبت گفتمان انقلاب اسلامی با قدرت نرم بیان کرد، پایه‌ریزی این گفتمان بر محور مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت است. به‌گونه‌ای که ابزارهای قدرت سخت اساساً هیچ نقش مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی برعهده نداشتند. از این رو انقلاب اسلامی ایران دست‌کم دودهه پیش از تدوین نظریه قدرت نرم از سوی جوزف نای، جایگاه و اهمیت قدرت نرم در سیاست بین‌الملل را به‌طور عملی به اثبات رسانده بود (کریمیان و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۱). به همین منظور مؤلفه‌های قدرت نرم ج.ا.ا. در سیاست خارجی این کشور عبارتند از: عنصر اسلامی - شیعی هویت ایرانی و اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



### ۲-۱- عنصر اسلامی - شیعی هویت ایرانی و ارتباط آن با سیاست خارجی ج.ا.ا.

برای درک بهتر هویت سیاست خارجی ج.ا.ا. ابتدا لازم است که دریابیم هویت<sup>۱</sup> و کیستی که سیاستگذاران خارجی بر اساس آن اقدام به سیاستگذاری می‌کنند بر چه اساس و پایه‌ای شکل گرفته است؟ آیا این هویت برساخته ذهن دیگران است؟ آیا فرایند تاریخی در تشکیل این هویت تأثیر داشته است؟ این‌ها سؤالاتی هستند که ممکن است ذهن هر مخاطبی را به خود مشغول سازد. قبل از

<sup>۱</sup>. Identity

هرچیز لازم است بدانیم هویت برساخته ذهن دیگران است این افراد هستند که با توجه به موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار می‌گیرند و همچنین وضعیت بیگانه هویت مجموعه سرزمینی خود را مشخص می‌کنند. با نگاهی به سیر تطور تاریخی به این نتیجه می‌رسیم در هر دورانی از تاریخ هویت و کیستی بر اساس موقعیت اجتماعی و فرهنگی آن دوران شکل گرفته و قطعاً حاکمیت بر اساس آن هویت سیاست خارجی خود را برنامه‌ریزی کرده است. با توجه به این تحلیل واقع‌بینانه سیاست خارجی ایران بر اساس مفهوم هویت و عناصر آن مدون می‌گردد. با درک هویت نظام قادر خواهیم بود به سازه‌های مفهومی که مطابق آن دولت و کارگزاران آن، جهان را در قالب آن معنادار و دسته‌بندی می‌کنند، دریابیم. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند، درک درست آن‌ها برای تحلیل سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران حیاتی است. هر دولتی بر مارک و نشان ویژه تمرکز می‌کند و تصویری از آن در ذهن خود می‌سازد و از طریق آن خود را به دیگر دولت‌ها می‌شناساند. بنابراین دولت‌ها نقش متفاوتی در جهان بازی می‌کنند و ممکن است هر دولت یک مأموریت خاصی را به عهده بگیرد که اساسش بر ماهیت ویژه جامعه استوار است (Headley, 2007: 1-2). در مورد ایران دغدغه‌های فرهنگی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ میان محققان ایرانی به‌شدت مورد بحث قرار گرفت و نظریاتی در مورد هویت ملی ایرانیان مطرح گردید. هواداران جمهوری اسلامی ایران (اسلام شیعی) را به‌عنوان هویت اجتماعی ایرانیان مطرح کردند درحالی که سکولارهای ایرانی تأکید کردند که مذهب زمینه در میراث زبانی - قومی دارد. روشنفکران ملی‌گرا تأکید کردند که زبان منبع هویت ملی است. زبان نقش حیاتی در گفتمان میراث فرهنگی ایرانیان دارد. تعدادی از مورخان فرهنگی و منتقدان ادبی معتقد هستند که ملت ایران با زبان فارسی تعریف می‌شود (طاهری و کریمی فرد، ۱۳۹۱: ۱۳۱). از دیدگاه اندیشمندان ایرانی هویت ملی ایرانیان از سه عنصر "ایران‌گرایی"، "اسلام‌گرایی" و "تجددگرایی" تکوین یافته است. در این قسمت به‌طور خلاصه به توضیح هریک از این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

### ۲-۱-۱- ایران‌گرایی هویت اجتماعی ایرانیان

در چارچوب ایران‌گرایی، ملت و ملیت ایرانی، مهم‌ترین منبع هویت ملی ایران است. ملت ارزش، حیات و منزلتی مستقل و قائم به ذات دارد. با توجه به تعریف ملت عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایران، سرزمین یا محدوده جغرافیایی، جمعیت، زبان، نژاد، مذهب، تاریخ مشترک، فرهنگ و سنت‌ها، ساختار سیاسی مشترک و روابط اقتصادی است. بعضی، تنها عنصر و



کانون محوری ملت و به تبع آن هویت ملی را وحدت سرزمین ایران می‌دانند. بر این اساس هویت ملی، در درجه نخست یک موضوع جغرافیایی سیاسی است و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای ملت ایران و احساس تعلق به آن می‌شود (دهقانی، ۱۳۸۶ الف: ۱۲۶). فلسفه ایرانی هویت، که انسان را اصل و حقیقت می‌شمارد، از سرآغاز فرهنگ و تمدن ایران زمین، جوشش یافته است. دین زرتشتی، انسان را موظف می‌داند که در جهان در پیکار ابدی نور و ظلمت، به سود نور به میدان آید و تلاش پایان ناپذیر خود را بر آن نهد که چیرگی ظلمت و تباهی را مانع و پیروزی را در این پیکار شکوهمند از آن خود سازد؛ همان‌گونه که در اسلام ایرانی (اسلام شیعی) نیز، بر پیکار حق با باطل تأکید شده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۴: ۱۰).

## ۲-۱-۲- شیعه‌گری هویت اجتماعی ایرانیان

برخلاف روایت ملی‌گرایی که حول محور ملیت و ایرانیت شکل می‌گیرد، نقطه کانونی و مرکز ثقل روایت اسلام شیعی، از هویت ملی ایران «اسلامیت» است. اسلام‌گرایی که بر اساس آموزه‌های تعالیم و دستورات قرآنت شیعی از اسلام، استوار است مردم ایران را ملتی مسلمان تصور می‌کند که مهم‌ترین منبع هویت و مرجع وفاداریشان اسلام و تشیع است. آنچه که ملت ایران را از سایر ملت‌ها متمایز می‌سازد و مرز «خود» و «دگر» را ترسیم می‌کند اسلام شیعی است، در نتیجه جمهوری اسلامی ایران دولتی است اسلامی شیعی که از سایر کشورها متمایز می‌شود. از آنجا که مذهب شیعه از این طریق به هویت ملی ایرانیان و شفاف نمودن مرزهای ملی، فرهنگ و دینی آن‌ها با اقوام دیگر کمک شایانی کرد خود به خود به صورت عنصر مؤسس ایران جدید و احیاء عظمت گذشته و نماد استقلال این کشور جلوه‌گر شد. از این پس آنچه به کنش ایرانیان در عرصه داخلی و خارجی جهت می‌دهد مذهب شیعه است. بالطبع از این رهگذر بر وزنه سیاسی و اجتماعی نخبگان مذهبی نیز افزوده شد و آن‌ها را به صورت بارزترین نماد جامعه مدنی درآورده است (نقیب زاده، ۱۳۸۱ الف: ۱۱۴). هرچند مذهب شیعه کم‌وبیش سیاسی بوده است لیکن باید گفت که اسلام در ایران به معنای فعال‌تری از اوائل قرن بیستم، سیاسی شد و داعیه دخالت فعال در سیاست و اجرای احکام شریعت به‌عنوان قانون را پیدا کرد. سیاسی‌تر شدن اسلام در قرن بیستم در واکنش به فشارها و تهدیدهای مدرنیسم و از موضعی تدافعی صورت گرفت. در واقع در همه مذاهب و هر جا که مدرنیسم، مذهب و شیوه زندگی قدیم را مورد تهدید قرار داده است، واکنش طبیعی تشدید تعلقات مذهبی و بازگشت به مذهب و اصول اولیه آن بوده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). بر اساس این دیدگاه سیاست در اسلام

صرفاً امر دنیوی و بشری و جدا از دین نیست، بلکه امری توحیدی و انسانی است که به دنبال وحدت جهانی اسلام است. اقبال لاهوری درباره مبنای انسانی دین اسلام و سیاست اسلام می‌گوید: این امر کاملاً طبیعی است که اسلام در میان خودآگاهی قومی ساده‌ای طلوع کرده باشد که به هیچ‌یک از فرهنگ‌های قدیم آلوده نشده و درجایی زندگی می‌کند که قاره‌ها در آنجا به یکدیگر می‌رسند. این فرهنگ جدید پایه وحدت جهانی را بر اصل توحید بنا نهاد (دهقانی، ۱۳۸۶: ب: ۷۰). از این رو مذهب شیعه به صورت قوی‌ترین عنصر در فرهنگ ملی ایرانیان درآمده و تا به امروز اصالت و قوام خود را حفظ کرده است. تلاشی هم که در گذشته صورت گرفت در جهت تلفیق فرهنگ ایرانی و اسلامی بود. به همین منظور عناصر فرهنگ ایرانی در برابر عناصر اسلامی قرار گرفتند که عامل این کار هم نخبگان لائیک و نخبگان سیاسی و هم نخبگان مذهبی بودند.

### ۲-۳- تجددگرایی هویت اجتماعی ایرانیان

ورود تجدد به ایران دومین گسست مهم فرهنگی را در جامعه ایران رقم زد. تأثیرات ژرف برخورد با غرب به ایجاد مرزهای فرهنگی جدید انجامید که بسیاری از عناصر نظام فرهنگی سنتی را به چالش کشید. این چالش شاخص‌ترین مسئله دوست‌ساله اخیر و محور اصلی کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی این دوره است. در ضمن ایران در این مسئله با بسیاری از کشورهای جهان سوم سهم است زیرا لشکرکشی ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ نقطه شروع سیطره اروپا بر سایر نقاط جهان تلقی می‌شود (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ب: ۱۱۶). البته بایستی ذکر نمود که اروپاییان از قرن شانزدهم به بسیاری از مناطق جهان سیطره پیدا کرده بودند، از جمله منطقه آسیای جنوب شرقی و غربی. غالب کسانی که در فرهنگ سیاسی ایران مطالعه کرده‌اند، معتقدند که انقلاب مشروطیت به یک معنا سرآغاز بیداری سیاسی ایرانیان و ورود به عرصه جدید سیاست، حکومت و قانون بود. روشنفکران نوگرای این دوره عمدتاً در پیرامون انجمن‌های مخفی مانند لژهای فراماسونری<sup>۱</sup> فعالیت داشتند (کاسمی، ۱۳۸۲: ۱۴۸-۱۴۶). دوره رضاشاه و محمدرضاشاه در تاریخ تجدد، دوره بسیار مهم تلقی می‌شود که در آن تحولات مهمی صورت گرفته؛ در درجه اول لازم بود تعداد بی‌شماری از افراد تحصیل کرده و تعلیم‌یافته، ضروریات یک ارتش نوساخته و توسعه صنعتی و رواج خدمات جدید و وابسته از قبیل بانکداری را پایه‌ریزی کنند که همین کار ضرورت توسعه و بهبود تسهیلات آموزشی و تربیت ایرانیان

<sup>۱</sup> . Freemasonry Lodge

در خارج از کشور را پیش کشید. در واقع این نکته مهم بخش تحولات عصر رضاشاهی را رقم می‌زند زیرا اعزام دانشجو به صورت گسترده به خارج از کشور به ترتیب و شکل‌گیری قشر جدیدی از روشنفکران انجامید که نقش آن‌ها در طول ادوار بعدی حائز اهمیت است. در دوره پهلوی دوم تجددگرایی عنصر مهم فرهنگ سیاسی بود. پدیدآوردگان فراگفتمان حکومت پهلوی تلاش کردند تا از طریق روایت هویت جدید از دل متون و نشانه‌های تاریخی به قدرت نهفته در ناسیونالیسم<sup>۱</sup> غربی دست یازند. غلبه پوزیتیویسم<sup>۲</sup> و روش‌های پوزیتیویستی تازه ظهور، نخبگان ایرانی را به این نتیجه رسانده بود که غرب مقصد و سرمنزل محترم جوامع غیرغربی و ازجمله ایران است. بنابراین در فراگیری دانش و در عرصه نظر و عمل، روش پوزیتیویستی مظهر ارزش‌هایی چون پیشرفت آزادی و سکولاریسم<sup>۳</sup> بود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۴). به‌طور خلاصه؛ هویت ایرانی همیشه به دلایل تاریخی، سیاسی و اجتماعی دچار تغییر بوده است؛ زیرا ایران ضمن اینکه کشوری در حاشیه تمدن‌هاست، در بسیاری از زمان‌ها و دوره‌ها نیز میل به مرکزیت داشته است. این وضعیت دوگانه و پارادوکسیکال<sup>۴</sup>، هویت ایرانی را چندوجهی کرده است و چندوجهی شده هویت ایرانی به معنی پیچیدگی و توسعه‌یافتگی آن است.

## ۲-۲- اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

انقلاب اسلامی محصول ایدئولوژی دینی بود. در دوران پیش از انقلاب روحانیون شیعی در تولید و تقویت ایدئولوژی دینی مشارکت جدی داشتند. ازجمله روحانیون انقلابی که در این دوره و در جهت تکوین ایدئولوژی سیاسی دینی فعالیت داشتند آیت‌الله خامنه‌ای بود. ایشان در کلاس‌های معارف دینی خود ازجمله تفسیر قرآن به تدوین و ترویج ایدئولوژی دینی و انقلاب پرداخت. این ایدئولوژی پس از انقلاب نیز ادامه یافت و آیت‌الله‌خامنه‌ای حتا در مسجد دانشگاه تهران به تدریس ایدئولوژی دینی پرداختند. آیت‌الله‌خامنه‌ای جز افراد معدودی بود که توجه خاصی به مفهوم ایدئولوژی داشت؛ وی در گفتاری با عنوان «بحثی در نبوت» بخشی از دریافت‌ها و یافته‌های خویش را درباره سیر زندگی ایدئولوژی‌ها به صورت چهار مرحله زیر بیان می‌کند: اگر خط سیر منطقی یک ایدئولوژی را از نقطه تکوین تا سرمنزل تحقق و عینیت خارجی در نظر بگیریم مراحل بدین شرح مشاهده

1. Nationalism

2. Positivism

3. secularism

4. Paradoxical

می‌کنیم: ۱- مرحله پیاده شدن در مغز و دل گروهی از انسان‌های مستعد و حق‌پدیر، و آنگاه در عمل فردی و گروهی آنان ۲- مرحله مطرح شدن در سطح وسیع مردم به‌منظور تلطیف جو و آشنا ساختن ذهن عموم با آرمان‌ها و هدف‌ها و داعیه‌های جدید و نیز به‌منظور جذب هرچه بیشتر افراد صالح ۳- مرحله زمینه‌سازی برای فرود آوردن آخرین ضربت در راه ویران‌سازی جامعه جاهلی و تشکیل جامعه آرمانی ۴- و بالاخره ایجاد و استقرار نظام اجتماعی بر مبنای آن ایدئولوژی (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۵۸/۱۲/۱۹۰). به‌صورت ساده‌تر ایشان برای شکل‌گیری ایدئولوژی مراحل چهارگانه‌ای را برشمردند؛ طی این چهار مرحله ابتدا ایدئولوژی در ذهن ایدئولوگ پدید می‌آید و توسط او به شاگردان و یاران منتقل می‌شود. در مرحله دوم ایدئولوژی در جامعه تبلیغ می‌شود و تلاش می‌شود در سطوح مختلف گسترش یابد. مرحله سوم مرحله مبارزه با نظام سیاسی حاکم است تا نظام جدید را تأسیس کند. لذا چنانچه پس از این مرحله موفقیت حاصل شود مرحله چهارم آغاز می‌شود که همان استقرار نظام اجتماعی و سیاسی جدید است. آیت‌الله‌خامنه‌ای برای ایدئولوژی اصالت قائل هستند و هدف اصلی پیامبر (ص) را گسترش و بسط ایدئولوژی اسلامی می‌دانست. او تشکیل حکومت را ابزاری در این جهت تحلیل می‌کرد تا از این طریق به تشکیل جامعه اسلامی و اجرای احکام و قوانین ایدئولوژی دینی بپردازد (پیشین). بخش مهمی از ایدئولوژی مبارزاتی آیت‌الله‌خامنه‌ای معطوف به ابرقدرت‌ها و صهیونیسم و نظام سلطه بود. در این دوره به دلیل حفظ استقلال حاصل از انقلاب سازش با سلطه ابرقدرت آمریکا ناشدنی اعلام می‌شود. در این میان مسئله اشغال زمین‌های فلسطین توسط اسرائیل و اختلافات بین دو ملت سرزمین از جمله مسائلی بود که آیت‌الله‌خامنه‌ای بسیار نسبت به آن احساس مسئولیت داشتند. ایشان بر این باور بودند که تا مسئله فلسطین و آنچه مربوط به سیاست‌های اسرائیل در جهان اسلام است حل نشود بسیاری از مسائل جهان اسلام حل نخواهد شد. با این استدلال حمایت جمهوری اسلامی از جنبش‌های رهایی‌بخش در منطقه نوعی مبارزه با استعمار و صهیونیسم تلقی می‌شد که ابعاد اسلامی داشت و به اسلامی کردن مناسبات مختلف سیاسی و اجتماعی در منطقه می‌انجامید (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۸/۲۵). بر اساس این دیدگاه صلح اعراب و اسرائیل که به‌منزله به رسمیت شناختن دولت اسرائیل بود در واقع پذیرفتن حضور همیشگی استعمار غربی به‌ویژه آمریکا به‌منظور مبارزه بنیادی با جهان اسلام تلقی می‌شد. آیت‌الله‌خامنه‌ای این روند را تهدید مستقیم صلح جهانی و مشروعیت بخشیدن به تجاوز می‌دانست (پیشین). آیت‌الله‌خامنه‌ای اصل سیاست خارجی حکومت اسلامی را در عدم وابستگی به سلطه خارجی می‌دانست و آن را در اصل نه شرقی، نه غربی

تفسیر می‌کرد. البته نگارندگان بر این باور هستند راهبرد نگاه به شرق از اولویت بالایی برای ج.ا.ا. برخوردار است. ایشان برای تحقق این هدف معتقد بود باید نیروی فعال ملت را در صحنه سیاسی و نظامی سازماندهی کرد. به عبارت دیگر تحقق این سیاست را جزء در بسیج توده‌های میلیونی ممکن نمی‌دانست. ایستادگی در برابر نظام سلطه تنها به وسیله حکومت اسلامی قابل اجرا نبود و باید با سازماندهی آن‌ها صورت می‌گرفت (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۹/۷). آیت‌الله‌خامنه‌ای در ایدئولوژی دینی خود بر سه عنصر «پذیرش سختی‌ها» «ایمان به مسیر» و «امید به آینده» تأکید می‌کند (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۹/۲۴). تأکید آیت‌الله‌خامنه‌ای بر ایدئولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت در عصر جدید در دوران دوم اندیشه سیاسی وی نیز برجسته و مشهود است. به طور مثال وی معتقد بود ارتش‌های وابسته به صاحب قدرت گرچه از فناوری پیشرفته‌ای برخوردارند، اما نقطه ضعف آن‌ها جایی است که ایدئولوژی‌ای با قدرت ایدئولوژی‌های انقلابی از جنس انقلاب اسلامی ندارند بر این اساس ایشان باور دارند همین علت شکست آن ارتش‌ها از نیروهای نظامی انقلابی است (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۱۰/۲). آیت‌الله‌خامنه‌ای در تبیین جبهه و مرزبندی ایدئولوژی اسلامی، جهان اسلام را در یک سو و استکبار و صهیونیسم را در سوی دیگر تعریف می‌کند، به این واسطه در نامه‌ای که به رؤسای کشورهای اسلامی می‌نویسد از جهاد مقدس علیه اسرائیل سخن می‌گوید. آیت‌الله‌خامنه‌ای به نیروهای سیاسی اسلامی توصیه می‌کرد برای تأسیس حکومت دینی از نوع جمهوری اسلامی روش ایدئولوژی انقلاب اسلامی را در جوامع خود به کارگیرند و از این جهت ایران را پیشاهنگ انقلاب اسلامی جهان می‌دانست. ویژگی‌هایی که او به این منظور و برای الگو گیری برای انقلاب اسلامی برمی‌شمرد عبارت بودند از: ۱- شناخت اسلام از طریق متون اصلی و نه از عادت‌ها و سنت‌ها. ۲- تأکید بر مساجد به عنوان پایگاه و کانون اصلی قدرت. ۳- مراجعه به فقها و روحانیون اسلامی (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۱۱/۴). از دیگر آثار ایدئولوژی اسلامی - انقلابی باور به خدمت هنر به ایدئولوژی دینی بود. مطابق این باور هنر باید در جهت ایدئولوژی انقلاب حرکت می‌کرد و آثار مختلف هنری خود را مثلاً در جهت مقابله با امپریالیسم و آمریکا تولید می‌کرد. ایشان هنر را اصالت یک جامعه و مکمل وجود انسان و جامعه می‌دانست و اعتقاد داشت اگر ایدئولوژی انقلاب از طریق هنر بیان نشود رشد نخواهد کرد (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۳/۲۲). آیت‌الله‌خامنه‌ای در برخی از خطبه‌های نماز جمعه مباحثی را مطرح کرد که پیشتر در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن بیان کرده بود ایشان در سال‌های قبل از انقلاب آموزه‌های ایدئولوژیک را باهدف تحقق انقلاب مطرح

می‌کرد تا با ارائه ایدئولوژی دینی افکار تربیتی انقلابی بیابند و در مسیر رفتار انقلابی قرار گیرند، این روند در دروان بعد از انقلاب همچنان در جهت بسط ایدئولوژی انقلاب و حرکت در جهت صدور انقلاب ادامه پیدا کرد.

### ۳- تکوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول شیعی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به هنجارها و ساختارهای بین‌المللی در طول دهه‌های گذشته سیاستی مبتنی بر قبول یا رد مطلق نبوده بلکه مشتمل بر مواضع و رویکردهای دوگانه‌ای تنظیم شده که در عین این‌که ساختار بین‌المللی و اغلب هنجارهای حاکم بر آن را فاقد مشروعیت می‌داند، برای حفظ حاکمیت و حفظ تمامیت ارضی، بسیاری از آن‌ها را می‌پذیرد. دولت برآمده از انقلاب اسلامی، خروج از سازمان پیمان مرکزی یا ستو و پیوستن به جنبش عدم تعهد را در دستور کار قرارداد و سیاستی مستقل از قدرت‌های بزرگ براساس دوری‌گزینی همسان، نه مقابله‌گرایی با دو ابرقدرت را برگزید که در شعار «نه غربی، نه شرقی» تجلی یافت. مطابق نظریات خردگرا، این نوع سیاست خارجی، ایدئولوژیک و غیرعقلانی است و این در تضاد با نگرش سازه‌انگارانه که مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است که عناصر نرم‌افزاری را از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی منافع ملی به حساب آورده و برای آن‌ها نقش مهمی در تعیین منافع ملی و به تبع آن، جهت‌گیری قدرت مادی و سیاست خارجی یک کشور قائل است (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۹). از بین ایدئولوژی‌های مخالف رژیم پهلوی، این ایدئولوژی مذهبی بود که توانست به منزلت هژمونیک برسد، رهبری جنبش را به دست گیرد و در تعارض بانظم مستقر به ارائه الگوی بدیل مبادرت ورزد. در تحلیل انقلاب اسلامی باید به این نکته توجه کرد که ایدئولوژی مذهبی عاملی در عرض سایر عوامل نبود، بلکه بستری بود که عوامل دیگر در درونش فهمیده می‌شد، برجسته می‌گشت و به عرصه عمل می‌آمد (شفیعی‌فر و خضری، ۱۳۹۹: ۵۰). وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی، سیاست و روابط خارجی محمدرضا شاه پهلوی را کاملاً دگرگون ساخت. این دگرگونی البته نه تنها از آن جهت است که ساختار سیاسی دچار تحول گسترده و بنیادین شد، بلکه همچنین به خاطر ظهور بازیگران سیاسی جدید در صحنه سیاسی و نوع نگرش بسیار منفی آن‌ها نسبت به سرشت و ماهیت نظام بین‌المللی می‌باشد. به همین منظور سیاست خارجی جمهوری اسلامی نشأت‌گرفته از آرمان‌های انقلاب و شدیداً بر اصول مکتبی - شیعی متکی

است (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۱). و بر اساس این اصول تکوین پیدا کرده است. در این راستا اسلام به عنوان چارچوبی برای رفتار در حوزه سیاست خارجی ایران و هویت آن مطرح شد. همچنین هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی نقش مهمی در تعیین منافع ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران ایفا کردند. بنابراین با دیدگاهی سازه‌انگاران<sup>۱</sup> وقتی از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم این صفت اسلامی است که تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که هویت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۴۵).

#### ۴- تأثیر قدرت نرم بر آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که پیش‌تر به رشته تحریر درآمد مؤلفه‌های قدرت نرم مورد مذاقه قرار گرفت. در واقع ترکیبی از منابع هویتی و شیعی و همچنین منابع ایدئولوژی اسلامی خاصه اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری عناصر تشکیل‌دهنده قدرت نرم بودند به همین منظور در اینجا وقتی از تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم بر سیاست خارجی می‌نویسیم هدف ما منابع هویتی و شیعی و همچنین ایدئولوژی اسلامی می‌باشد. اگرچه رویکرد سند چشم‌انداز تعیین مسیر برای پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور است، اما این موضوع که توسعه پایدار بدون داشتن یک سیاست خارجی منسجم و فعالانه امکان‌پذیر نخواهد بود، از نظر تدوین‌کنندگان سند دور نمانده است. در متن سند مفاهیم کلیدی که ابعاد سیاست خارجی را تعیین می‌کنند اندک اما بسیار مهم و محوری هستند. این مفاهیم کلیدی عبارتند از: دارای جایگاه اول منطقه‌ای، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با سایر کشورهای جهان (واعظی و دیگران الف، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

#### ۴-۱- تأثیر قدرت نرم بر جایگاه اول منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

در ادامه به ارتباط قدرت نرم و مفاهیم کلیدی که پیش‌تر بدان اشاره شد خواهیم پرداخت. ابتدا مفهوم جایگاه اول منطقه‌ای در حوزه سیاست خارجی متضمن این پیام است که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران باید از لحاظ پیشرفت توسعه، قدرت برتر منطقه باشد. تحقق چنین هدفی مستلزم داشتن ثبات و امنیت ملی در منطقه است و این ثبات و امنیت از طریق قدرت نرم به وجود خواهد آمد. در ذهن و ادراک ایرانیان همواره جلوه‌هایی از تهدید نهفته و توطئه قدرت‌های بزرگ علیه ساختار سیاسی و اجتماعی ایران وجود دارد. به عبارت دیگر، احساس تهدید، بخشی از واقعیت ذهنی و ادراکی جامعه ایرانی است که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی عینیت بیشتری یافته است (ویجاریندرا و

<sup>۱</sup>. constructivism

والتون: ۱۳۸۸: ۲۷۰). در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای اجتماعی در ایران بر ادراک معطوف به تهدید تأکید بیشتری کردند. تجربه جامعه ایرانی از مداخله مستقیم قدرت‌های بزرگ در موضوعات سیاسی و امنیتی ایران نشانه چنین ادراکی است (Kinzer, 2003: 22). در اینجا بازتولید هویت مقاومت در قالب ایدئولوژی اسلامی شکل می‌گیرد. نشانه‌های هویت مقاومت در زیرساخت‌های فرهنگ سیاسی ایرانی وجود دارد. انقلاب اسلامی ایران چنین شاخص‌هایی را بازتولید و برسازی کرد. زمانی که تهدیدهای مترکم فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، جامعه ایرانی در وضعیت واکنش به شرایط تهدید قرار گرفت. این روند نشانه‌هایی از احیاگرایی اسلامی را شکل داد (مصطفی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۷۲). براساس شاخص‌های ایدئولوژیکی در ایران، هویت مقاومت شکل گرفت. در چنین وضعیتی، شاخص‌های فرهنگی و هویتی ناشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیش از گذشته تحت تأثیر مؤلفه‌های مداخله‌گرایانه آمریکا، بازیگران منطقه‌ای و کارگزاران داخلی آن‌ها قرار می‌گیرد. از این رو نشانه‌هایی از هویت مقاومت شکل گرفته در برابر تهدیدهای مرکب علیه امنیت ملی ایران عینیت می‌یابد (پوستین چی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۳). از آنجایی که تهدیدات دشمن از ماهیت سخت‌افزاری برخوردار بود واکنش ج.ا.ا. به تهدیدات دشمن بر اساس قدرت نرم بود. به همین منظور نقش ایدئولوژی در بسیج گروه‌های اجتماعی برای مقابله با تهدیدات دشمن به‌وجود آمد.

#### ۴-۲- رابطه قدرت نرم و الهام‌بخش بودن جمهوری اسلامی ایران در منطقه

در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ الهام بخشی روح معنوی سیاست خارجی تلقی شده است که زمینه‌های لازم برای ایفای نقش رهبر منطقه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴۸۵). ریشه‌های الهام‌بخشی را باید در ادبیات مربوط به قدرت نرم ج.ا.ا. جستجو کرد قدرت نرم، زمینه‌های لازم برای اثربخشی بر منطقه را فراهم می‌سازد. توجه به این نکته ضروری است که گرچه الهام بخشی و قدرت نرم با یکدیگر تشابهاتی دارند، اما در بعد هستی‌شناسانه از یکدیگر متمایزند. به عبارت دیگر، الهام‌بخشی نسبت به قدرت نرم مفهوم عام‌تری دارد. در قدرت نرم، هدف نهایی اعمال قدرت با شیوه و روشی جدید است، اما در الهام بخشی دعوت به‌حق اولویت دارد. قدرت نرم در بستر زمانی مدرنیته معنا پیدا می‌کند، اما الهام بخشی محدود به زمان و مکان خاصی نیست. به همین دلیل کاربرد این واژه در سیاست کلان ج.ا.ا. از قدرت نرم بسیار بیشتر است (قهرمان پور، ۱۳۸۹: ۱۴۷). الهام بخشی یکی از الگوهای ایجاد توازن غیرمادی در ساختار امنیت منطقه‌ای



است (گری، ۱۳۸۵: ۲۹). الهام بخشی می‌تواند در مدار همکاری‌گرایی، تعامل، تعارض و رقابت بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. کشورهایی که قدرت انقلابی و جهت‌گیری رهایی‌بخش دارند، برای تحقق اهداف خود باید راهبرد و مخاطبان جدیدی پیدا کنند (Ryan Kraig, 2006: 114-115). به دلیل تمایز ماهیتی اهداف و هویت ج.ا.ا. از دیگر نظام‌های سیاسی، در جهت‌گیری‌های کلان و سیاست خارجی ایران نیز باید این تمایز مشخص باشد. دولت ایران پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر قدرت باورها و اعتقادات مذهبی، سیاست تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای را تعقیب کرد. مشکلات داخلی و جنگ تحمیلی و برخورد حاکمیت بیرونی و مداخله‌گر، تحقق اهداف منطقه‌ای ایران را با مشکلاتی روبه‌رو ساخت. هدف ایران از تعقیب این سیاست‌ها آگاهی بخشی به این ملت‌ها و دولت‌ها بود. برخی از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند جنبش‌های اصلاحی که در منطقه صورت می‌گیرد، ناشی از الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران است (رضایی و دهکردی ۱۳۸۶: ۵۲). انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار بر جهان اسلام بوده است. این تأثیرگذاری به‌طور طبیعی یا ارادی و برنامه‌ریزی‌شده و از طریق نهادهای سازمان‌یافته، ارتباطات علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای اسلامی بازتاب یافته و دولت‌ها و جنبش‌ها و سازمان‌های دینی آن‌ها را تحت تأثیر و احیاناً نفوذ ارزش‌ها و هنجارهای انسانی و اسلامی خود قرار داده است. برای مثال، این الگو در تمام خاورمیانه پذیرفته شده است که هرجا حضور ایالات متحده با حرکت‌های ضدآمریکایی همراه شود، نفوذ ایران در منطقه بیش‌ازپیش افزایش می‌یابد در واقع ایران به مرکز ثقل جاذبه در منطقه تبدیل شده است (Rubin, 2013).

#### ۴-۳- ایران و تعامل سازنده با جهان در چارچوب قدرت نرم

تعامل سازنده با واحدهای بین‌المللی و کشورهای منطقه یکی از منابع و شاخص‌های تولیدکننده قدرت نرم در سیاست بین‌الملل است. بنابراین، سیاست خارجی و دیپلماسی با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و از باب مذاکره وارد شدن در خصوص حل مسائل و مشکلات بین‌المللی و نیز قدرت کلام رهبری انقلاب با تأسی از مبانی شرعی و اسلامی به‌عنوان مثال در خصوص حرام شمردن سلاح هسته‌ای نیز نمونه بارز و اعلاهی اعمال قدرت نرم است. با نگاهی گذرا به راهبردهای کلان مطرح در سیاست بین‌الملل، می‌توان دریافت که راهبرد تعامل سازنده به‌عنوان راهبرد کلان ملی ج.ا.ا. دارای ویژگی ترکیبی است؛ بدین معنا که عناصری از دو

راهبرد کلان رویارویی و اصلاح وضع موجود را در خود جمع کرده است، اما از بیش‌ترین همانندی با راهبرد اصلاح وضع موجود برخوردار است؛ زیرا نخست وضع موجود را نمی‌پذیرد و دوم مهم‌تر آن‌که تنها راه دگرگون ساختن وضع موجود را تغییر درون سامانه‌ای، یعنی پیگیری دگرگونی‌ها با تکیه بر قواعد نظم موجود می‌داند. از این‌روست که به رویارویی تهاجمی بانظم موجود باور ندارد. پیگیری این دو گرایش در ترکیب با یکدیگر، همان‌گونه که منطق سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد، جز در پرتو در پیش‌گرفتن تعامل سازنده، ممکن و کارا نخواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). بی‌گمان انتخاب گزینه تعامل، چارچوب رفتاری و گفتاری ویژه‌ای در جهت ساختن منافع و اهداف ملی، فراوری کشور قرار می‌دهد. تعامل در جهان کنونی نه یک شیوه در میان شیوه‌های دیگر، بلکه مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه پیشبرد اهداف سیاست خارجی است (واعظی و همکاران ب، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی کردیم به نقش ایدئولوژی اسلامی به‌مثابه قدرت نرم بپردازیم و تأثیر آن را بر آینده سیاست خارجی ج.ا.ا. با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بررسی نماییم. ج.ا.ا. در بعد از انقلاب دارای منابع گسترده قدرت نرم بوده است و در سطح بین‌الملل بر اساس قدرت نرم و با استفاده از پتانسیل‌های فرهنگی و سیاسی به تعامل و ارتباط با سایر کشورهای جهان پرداخته است. در این میان برخی از منابع بیشترین تأثیر را در فرایند اعمال قدرت نرم در سیاست خارجی ج.ا.ا. را داشته است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم یاد برد. برخی از این مؤلفه‌ها که نقش کلیدی و مهمی در افزایش توانمندی‌های ایران در عرصه روابط بین‌الملل و منطقه‌ای دارند عبارتند از: عنصر اسلامی- شیعی هویت ایرانی و اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و تکوین سیاست خارجی ج.ا.ا. بر اساس این مؤلفه‌ها؛ با نگاهی به مطالب ذکر شده می‌توان ادعا نمود ج.ا.ا. در مؤلفه‌های یادشده با فعالیت‌هایی هدفمند توانسته اقتدار نرم خود را در اجرای سیاست خارجی به منصفه ظهور بگذارد به همین منظور نگارندگان در این مقاله به بررسی ارتباط قدرت نرم با هریک از مفاهیم کلیدی مرتبط باسیاست خارجی که در ابتدای مقاله و در سند چشم‌انداز به‌آنها اشاره گردیده پرداختند و به این نتیجه رسیدند که قدرت نرم با بازتولید هویت مقاومت در قالب ایدئولوژی اسلامی توانسته امنیت ملی کشور را در مقابل دشمنان خارجی ارتقاء دهد زیرا آنچه که در مرحله اول موجب می‌گردد ایران در سند چشم‌انداز به جایگاه نخست در سطح منطقه آسیای جنوب غربی برسد ایجاد محیطی امن

می‌باشد و در بستر این محیط امن است که توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد. همچنین در خصوص الهام‌بخش بودن انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار بر جهان اسلام بوده است و به‌واسطه همین قدرت نرم توانسته است جایگاه ویژه‌ای در افزایش قدرت منطقه‌ای داشته باشد و پرستیژ بین‌المللی کسب نماید؛ اما همه این موارد ذکرشده در قالب داشتن تعامل سازنده و دیپلماسی فعال ج.ا.ا. با کشورهای منطقه است که این دیپلماسی در پرتو مذاکره و گفتگو و در بستر قدرت نرم شکل خواهد گرفت از این‌روست که ج.ا.ا. به رویارویی تهاجمی با نظم موجود باور ندارد. اما این به منزله نداشتن اقتدار و نیز برخورد سخت با دشمنان خارجی نیست. با توجه به یافته‌های پژوهش و تأثیر عمیق ایدئولوژی اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد نقش و نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ا. در آینده روابط این کشور با سایر کشورهای منطقه همچنین منطبق با آرمان‌های سند چشم‌انداز همچنان پررنگ باقی بماند.

### کتابنامه

- ۱- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۹). *قدرت نرم فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ۲- ایزدی، جهان‌بخش؛ خلفی، فرزاد. (۱۳۹۰). "راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌المللی بر پایه سند چشم‌انداز." *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی*. سال دوم، شماره ۱. ۴۳-۶۵
- ۳- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۹). *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: قومس.
- ۴- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). *ایران: هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۵- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۵۸/۱۲/۱۹). "بحثی در نبوت." *روزنامه جمهوری اسلامی*.
- ۶- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۰/۸/۲۵). "هر طرحی که در غیاب ایران برای امنیت خلیج فارس تهیه شود از نظر ما بی‌اعتبار است." *روزنامه اطلاعات*.

- ۷- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۰/۹/۷). "انقلابی که بر دوش توده متشکل جامعه قرار داشته باشد زوال‌پذیر نیست." *روزنامه اطلاعات*.
- ۸- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۰/۹/۲۴). "آینده مال ماست و بر همه توطئه‌ها فائق خواهیم شد." *روزنامه اطلاعات*.
- ۹- آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۰/۱۰/۲). "هیچ ارتشی در دنیا وجود ندارد که بتواند این‌چنین در مقابل دشمن مقاومت کند." *روزنامه اطلاعات*.
- ۱۰- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۰/۱۱/۴). "از هیبت قدرت‌های بزرگ نترسید و در مقابل ضربات آن مقاومت کنید." *روزنامه اطلاعات*.
- ۱۱- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۱/۳/۲۲). "هنر، مکمل وجود انسان و جامعه است." *روزنامه اطلاعات*.
- ۱۲- بیگی، مهدی. (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- ۱۳- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *گفتمان، یادگفتن و سیاست*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۱۴- پوستین‌چی، زهره. (۱۳۸۹). "قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران." *فصلنامه آفاق امنیت*. سال سوم، شماره ۷. ۷-۳۶.
- ۱۵- جمالزاده، ناصر. (۱۳۹۱). "قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)". *فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*. سال اول، شماره ۴. ۶۱-۸۶.
- ۱۶- حیدری، منصور و همکاران. (۱۳۹۵). "سیاست خارجی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مورد کاوی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران)". *مجله سیاست دفاعی*. دوره بیست و چهارم، شماره ۹۴، ۹-۴۶.
- ۱۷- رحمانی، هما. (۱۳۹۳). "نشانه‌های الهام بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و چهارم، شماره ۲. ۵۰۲-۴۸۳.

- ۱۸- رضایی، محسن؛ دهکردی مبینی، علی. (۱۳۸۶). *ایران آینده در افق چشم‌انداز*. تهران: طبع و نشر.
- ۱۹- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۸۴). "آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران و چارچوبی برای ساماندهی طرز تلقی‌ها". *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۶۹. ۱۹۸-۱۵۵.
- ۲۰- ساعد، نادر. (۱۳۹۰). *جنگ نرم و نظام حقوقی بین‌المللی، مجموعه مقالات جنگ نرم در عرصه دفاع ملی (ابعاد نظری و کاربردی)*. (به کوشش محمود عسگری). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۱- سلیمی، حسین. (۱۳۸۸). "آسیب‌های جنوب غربی به‌عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی". *فصلنامه ژئوپلیتیک*. دوره پنجم، شماره ۲. ۱۳۷-۱۱۶.
- ۲۲- سجادی‌پور، محمدکاظم؛ نوریان، اردشیر. (۱۳۸۹). "برنامه‌ریزی در سیاست خارجی ج. ا.، بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز". *فصلنامه راهبرد*. سال نوزدهم، شماره ۵۶. ۷۲-۴۳.
- ۲۳- شفیعی‌فر، محمد؛ خضری، احسان. (۱۳۹۹). "چارچوب تحلیلی انقلاب اسلامی؛ الگوی مفهومی چند‌علیتی". *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. سال نهم، شماره ۳۲. ۵۴-۳۷.
- ۲۴- صفوی همای، حمزه. (۱۳۸۷). *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۵- طاهری، مهدی؛ متقی، حسین. (۱۳۹۹). "نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران". *نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی*. سال هفدهم، شماره ۶۰. ۱۷۶-۱۵۵.
- ۲۶- طاهری، ابوالقاسم؛ کریمی فرد، حسین. (۱۳۹۱). "هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*. دوره پنجم، شماره ۱۸. ۱۵۴-۱۲۵.
- ۲۷- قهرمانپور، رحمان. (۱۳۸۹). "نقد الهام بخشی بر قدرت نرم در سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام". *فصلنامه راهبرد دفاعی*. سال هشتم، شماره ۲۸. ۱۷۲-۱۴۷.
- ۲۸- کاظمی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران*. تهران: قومس.

- ۲۹- کریمیان، محمد؛ زارعی، غفار. (۱۳۹۹). "نقش بسیج اساتید در تربیت نخبگان سیاسی و تأثیر آن بر قدرت نرم ایران (مطالعه موردی: اساتید بسیجی دانشگاه‌های شیراز)". فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم. سال دهم، شماره ۱. ۴۰-۱
- ۳۰- کشاورزی، محمد و همکاران. (۱۳۸۸). *آشنایی با سند چشم‌انداز*. تهران: امیرکبیر.
- ۳۱- دهقانی، جلال. (۱۳۸۶). *هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. برگرفته از کتاب مجموعه مقالات منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. (به کوشش داود کیانی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۲- گری، کالین. (۱۳۸۵). *ساختار شناسی راهبرد*. (علیرضا فرشچی). تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- ۳۳- لوکس، استیون. (۱۳۷۰). *قدرت: فرانسایی یا شر شیطانی*. (فرهنگ رجایی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳۴- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۶). *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: فرهنگ صبا.
- ۳۵- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۴). "دموکراسی و هویت ایرانی بحثی در جغرافیای سیاسی ایران و ایران‌شناسی". *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. شماره ۲۲۱-۲۲۲. ۲۱-۴.
- ۳۶- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۲). "نقش ارزش‌ها و هنجارها در شکل‌دادن به سیاست خارجی رهیافت سازه‌انگاران". *فصلنامه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی*. سال سوم، شماره ۳. (بیتا).
- ۳۷- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). *تأثیر فرهنگ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۳۸- واعظی، محمود و همکاران. (۱۳۹۳). *راهبردهای سیاست خارجی برای ارتقاء جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی*. تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- ۳۹- ویجاریندرا، راثو؛ والتون، مایکل. (۱۳۸۸). *فرهنگ و کنش عمومی*. (علی بختیار زاده). تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۴۰- یاقوتی، محمدمهدی. (۱۳۹۰). "تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه سیاست خارجی*. سال بیست و پنجم، شماره ۱. ۲۸-۱.

۴۱- "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴". (۱۳۸۲). پایگاه اطلاع‌رسانی

آیت‌الله‌خامنه‌ای، قابل دسترسی در سایت زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16995> ۱۲/۰۸/۱۳۸۲

42. Nye, J. (2008). "Public Diplomacy and Soft Power". Volume 616, issue 1, PP.94-109.

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0002716207311699>

43. Headley J. (2007). *Identity in foreign policy Analysis*. University Otego, Paper Presented, at The British International Studies, Association annual Conference University of Cambridge [https:// www. Bias. As. U k 2007 headley](https://www.Bias.As.Uk2007headley).

44. Kinzer. S . (2003). "all the shah's men: an American coup and the roots theory." *Integrity*. no. 1, vol.23.

45. Ryan Kraig M. (2006). "Forging a New Security Order for the Persian Gulf". *Middle East Policy*. vol.13, Spring.

46. Rubin, J. (2013). "U.S. retreat means Iran's grows". *The Washington Post, February 19*. <http://www.washingtonpost.com>